

چرایی و چگونگی تأسیس ناوگان دریایی نادرشاه در خلیج فارس

جواد موسوی دالینی*

لیدا مودت**

چکیده

ایران در ابتدای دولت صفوی با مشکلات داخلی و هجوم خارجی زیادی درگیر بود و نمی‌توانست به طور جدی به مسایل خلیج فارس بپردازد. هر چند حضور خود را در این منطقه به صورت مختلف از جمله تکرار تقاضای خراج از حکام جزایر و سواحل درخواست می‌کرد اما به تدریج که دولت مرکزی ایران انسجام بیشتری یافته، توجه به منطقه خلیج فارس بیشتر شد؛ به طوری که با شروع سلطنت شاه عباس اول، دولت مرکزی ایران قدرت بیشتری یافت و توجه به تجارت خارجی و خلیج فارس نیز بیشتر شد. اما متأسفانه عدم توجه جدی و اساسی حاکمان سالهای پایانی صفویه به حق و حقوق تاریخی ایران در سرتاسر خلیج فارس باعث شد که برخی از جوامع تجاری و سنتی خلیج فارس دارای تمایلات گریز از مرکز شوند.

از آنجا که در عهد افغانه امنیت لازم برای تجارت و دریانوردی در کرانه‌های خلیج فارس وجود نداشت، بازار تجارت را کد بود ولی با ظهور نادرشاه در ایران برای جوامع تجاری در خلیج فارس امیدوار کننده بود. نادرشاه با احیای سلطه حکومت مرکزی ایران بر خلیج فارس بویژه با تأسیس ناوگان دریایی، ضمن ایجاد امنیت لازم برای بازرگانی و دریانوردی، کنترل ایران بر سواحل خلیج فارس را افزایش داد و حتی این کنترل و سلطه تا عمان نیز گسترش یافت. به طور کلی اقدامات نادرشاه برای تأسیس ناوگان دریایی نقطه عطفی در نیروی دریایی ایران و اوضاع سیاسی نظامی خلیج فارس به حساب می‌آید که متأسفانه علی‌رغم تحقیقات و پژوهشهای بسیار در مورد خلیج فارس به این موضوع کمتر اشاره شده است. **کلیدواژه‌ها:** خلیج فارس، صفویه، ناوگان دریایی، نادرشاه.

عوامل مؤثر در تأسیس ناوگان دریایی

در زمان شاه سلطان حسین صفوی سستی کار دولت صفوی به جایی رسید که محمود غلزابی مزفق شد با تعدادی سوار و پیاده اصفهان را محاصره کند و شاد را به نفع خود وادار به استعفا کند.^۱ برای این

* دانشجوی کارشناسی ارشد رشته تاریخ دانشگاه تبریز

** دانشجوی کارشناسی ارشد رشته تاریخ دانشگاه تربیت معلم تهران

۱- تعداد سپاهیان محمود افغان را در محاصره اصفهان بین ۱۵ هزار تا ۲۰ هزار تخمین زده اند. اعتماد السلطنه (صنیع اللولؤ) ص ۱۰۹۲.

که وخامت اوضاع ایران در این برهه زمانی روشن شود و به انعکاس آن در خلیج فارس پی ببریم، باید به وقایع مهم این دوره، لااقل فهرست وار اشاره کنیم.

افغان‌ها از یک طرف وارد پایتخت شده و از طرف دیگر طوایف لزگی شیروانات را معرض تاخت و تاز قرار داده بودند.^۱ روسها به بهانه تجاوز لزگیها و مردم شمالی به اتباع روس، به طرف دربند لشکرکشی کرده و سپس تا گیلان و مازندران پیشروی کردند.^۲ دولت عثمانی هم که از شاه عباس دل پر خونی داشت، به تلافی شکست‌های سابق، از مرزهای ایران تجاوز کرده و کردستان، ایروان، تبریز، همدان و کرمانشاه را در اشغال خود در آورده بود^۳ و چون در ضمن این پیشروی‌ها بین این دو رقیب بزرگ - روسیه و عثمانی - مجادلاتی پیش آمده بود، با وساطت دونباک، سفیر فرانسه در استامبول، در سال ۱۷۳۴ م. / ۱۱۳۷ ق. میان دو دولت روس و عثمانی طرح قراردادی گذاشته شد^۴ که مطابق آن، ولایات ساحلی بحر خزر از ترکمن صحرا گرفته تا محل تلاقی رود ارس در تصرف روسها و از محل تلاقی تا همدان، کرمانشاه و کلیه شهرهای اشغالی از آن عثمانی باشد.^۵ در همین زمان طوایف مختلف عرب در خلیج فارس مشغول قتل و غارت مردم ساحل نشین و جزایر آن بودند. قویترین آنها خوارج و قواسم بودند که دستجات خطرناکی با ناوهای توپدار تشکیل داده و بر سواحل شمالی و جنوبی خلیج فارس و مسقط تا دریای عمان تسلط یافته بودند.^۶

اعراب هوله نیز بر قسمتی از بنادر مرکزی و جزایر کیش و بحرین حکمرانی می‌کردند. رؤسای این طوایف مانند سلطان بن سیف ثانی در مسقط و یعرب بن حمیر در عمان و شیخ جباره هولی کنگانی در بحرین، غالباً با یکدیگر مبارزه می‌کردند و در طی این کشمکشها، بنادر و جزایر ایران دست به دست می‌شد.

۱- سرچن ملکم نادرشاه از دیده سرچن ملکم، در کتاب مجموعه مقالات: مینورسکی (۱۳۸۱)، ایران در زمان نادرشاه، ترجمه رشید یاسمی، تهران: دنیای کتاب، ص ۲۰۳.

۲- استرآبادی، میرزا مهدی خان (۱۳۶۸)، جهانگشای ندری، تهران: دنیای کتاب، صص ۱۸-۱۷.

۳- همان، صص ۱۹-۱۸.

۴- لکه‌پورت نادرشاه از دیدگاه لکارت؛ مینورسکی، ایران در زمان نادرشاه، صص ۳۰۳.

۵- سرپرسی سایکس، نادرشاه... مینورسکی، ایران در زمان نادرشاه، صص ۴۱۱-۴۱۰.

۶- حسینی فسایی، حاج میرزا حسن (۱۳۸۲)، فارسنامه ناصری، تصحیح دکتر منیر زر رستگار فسایی، چاپ سوم، تهران: امیر کبیر، صص ۴۹۵.

گرچه مقارن حمله محمود افغان به حدود کرمان، لطفعلیخان داغستانی، بیگلربیگی فارس، برای سرکوبی قواسم و خوارج به بندرعباس آمد و این طایفه را سخت تنبیه کرد و قصد داشت که بنادر و جزایر اطراف را هم از شر این غارتگران نجات دهد، ولی از طرف دولت مرکزی ایران مامور جلوگیری از محمود افغان شد و از بندرعباس یکسره به کرمان رفت^۱ و در غیاب او ینماگران عرب، دوباره مشغول به کار خود شدند. به طور کلی اوضاع خلیج فارس مانند سایر نقاط ایران به حال هرج و مرج باقی ماند، تا آن که ستاره درخشان نادرشاه افشار طالع شد و دیری نگذشت که این نابغه بزرگ نظامی، ایران اشغال شده را از چنگال افغان‌ها و عثمانی‌ها نجات داده و امپراطوری روسیه را از راه مذاکرات سیاسی وادار به تخلیه و تحویل ایالات شمالی نمود.^۲ در این موقع که محمد خان بلوچ، حاکم کهکیلویه و بنادر خلیج فارس علیه نادر قیام و دعوی سلطنت می‌کرد، نادر برای دفع غائله وی به فارس رفت و سرانجام محمد خان ناچار شد با چند نفر از همراهان از لار به جزیره کیش و به نزد اعراب هولہ پناهنده شود.^۳ در اثر این حادثه، نادر پیامهایی به نمایندگان کمپانی‌های هند شرقی انگلیس و هلند در بندرعباس فرستاد تا بی‌درنگ چند کشتی برای حفاظت به کرانه شمالی خلیج فارس ارسال دارند و از فرار محمد خان بلوچ جلوگیری کنند.^۴

فرار عده کثیری از افغان‌ها به عمان و محمد خان بلوچ به کیش این نکته را برای نادر مسلم ساخته بود که بدون ناوگان نیرومند محال است از عهده مراقبت همه کرانه‌های ساحلی ایران برآید و از این لحاظ همواره نیاز به کمک بیگانگان خواهد داشت.^۵ علاوه بر این انگلیسی‌ها و هلندی‌ها از این حیث چندان با دولت ایران همکاری نمی‌کردند^۶ و عربها نیز که چندین کشتی کوچک داشتند معمولاً با شورشیان که بهتر از دولت ایران به آنان اجازه می‌پرداختند، همراهی می‌نمودند.^۷ از طرف دیگر شیخ جباره هولی که جزایر کیش و بحرین و برخی دیگر از جزایر و بنادر خلیج فارس را از طی چندین سال به این طرف تحت نفوذ خود در آورده بود،^۸ از جمله عللی بود که نادر عزم جزم کرد نقشه ایجاد ناوگان

۱- حسینی فسایی، حاج میرزا حسن، ص ۴۹۶.

۲- همان.

۳- همان، ص ۵۲۰.

۴- قنوسی، محمد حسین (۱۳۳۹)، نادرنامه. خراسان: نشر انجمن آثار ملی، ص ۲۰۲.

۵- لکه‌هات، لارنس (۱۳۵۷)، نادرشاه ترجمه مشفق همنانی. چاپ دوم، تهران: امیرکبیر، ص ۱۱۲.

۶- همان؛ مینورسکی، ایران در زمان نادرشاه، ص ۲۲۰.

۷- قنوسی، ص ۲۵۱.

۸- فسائی، ص ۴۹۵.

نیرومند دریایی را به جد اجرا کند، اما چون کار عثمانی‌ها و روسها هنوز تمام نشده بود، اجرای این تصمیم را به وقت مناسب‌تری موکول کرد.

چند سال بعد که نادر دشمنان ایران را به کلی سرکوب کرد و شورای دشت مغان را تشکیل داد، در همان زمان به محمد تقی خان شیرازی، بیگلربیگی فارس دستور اکید داد تا با خرید چند کشتی از شرکت‌های انگلیسی و هلندی مقیم بندرعباس، بنادر و جزایر خلیج فارس را از دست شیوخ غاصب عرب آزاد کند^۲، ولی نادر به علت درگیر بودن در جنگ با عثمانی‌ها و قسمتهای شرقی از جمله هندوستان، وی مجال و فرصت حضور در جنگ‌های سواحل جنوبی را نیافت، لذا محمد تقی خان شیرازی که به لقب خانی مفتخر و به بیگلربیگی فارس منصوب شده بود، از طرف نادرشاه مأموریت یافت که با حفظ سمت، به دریابانی خلیج فارس و دریای عمان که همان فرماندهی نیروی دریایی ایران بود، منصوب گردد^۳.

از آنجا که محمد تقی خان شیرازی، مرد اقتصادی و حسابگری بود، مدت زیادی ریاست امور مالی و استیفای فارس به او سپرده شده بود و به همین دلیل بسیار مورد توجه و اعتماد نادرشاه بود^۴.
به طور کلی، کلیه هزینه‌های خرید کشتی، اجیر کردن کارگران دریایی و ساختن کارخانه کشتی‌سازی و توپ ریزی و بالاخره برآورد دستمزدها و خرجهای لشکرکشی دریایی و غیره به عهده او بود. اما متأسفانه محمد تقی خان اطلاعات دریایی چندانی نداشت و به غیر از سفرهای کوتاهی در نواحی دریایی، سفرهای دریایی طولانی نکرده و از این مهمتر از اصول و فنون دریانوردی و دریاداری اطلاعاتی نداشت. لذا کارهای خود را در این زمینه به وسیله دستیاران و اشخاص محرم خود انجام می‌داد.^۵

۱- رمضان، ۱۱۴۸ هـ ق این شورا تشکیل شد به عنوان نه‌ونه ر.ک. فسانی، صص ۲۰۸-۲۲۵

۲- استر آبادی، میرزا مهدی خان (۱۲۴۱)، دره نادر. به اهتمام دکتر سید جعفر شایقی. انتشارات انجمن آثار ملی، صص ۵۷۹

۳- زرین قلم، علی (۱۳۳۷)، سرزمین بحرین، تهران: کتابفروشی سیروس، صص ۸۵-۸۶

۴- فسانی، صص ۴۶

۵- زرین قلم، صص ۹۱

چگونگی تهیه نیروی دریایی و تشکیل ناوگان نادری

لطیف‌خان^۱ در تهیه نیروی دریایی با اشکالات زیادی همچون به وجود آوردن پرسنل دریایی و مهمتر از همه، تهیه و خریداری کشتی و تجهیزات دریایی رو به رو شد. او می‌بایست کشتی‌ها را به صورت کشتی‌جنگی، یعنی مجهز به توپ و سلاح آن روز در آورد. لطیف‌خان برای اجرای امر نادرشاه تلاش فراوانی کرد و در این راستا به نزد نماینده کمپانی‌های اروپایی (انگلیس، هلند) مراجعه نمود و نیات و نظرات و خواسته‌های دولت مرکزی و شخص نادرشاه را با آنها در میان گذاشت. او برای راندن دشمنان و آزاد کردن مرزها و جزایر ایران، واگذاری کشتی و یا فروش آنها را از آنان تقاضا کرد.^۲ اما کمپانی‌های خارجی از هر گونه کمک و همکاری شانه خالی کردند و در صورتی که مایل به کمک و واگذاری کشتی هم می‌شدند، رمز و فنون آن را برای خودشان باقی می‌گذاشتند.

در هر حال لطیف‌خان هر اندازه پافشاری کرد و اصرار ورزید به نتیجه نرسید و نمایندگان خارجی حاضر به کمک و واگذاری کشتی به لطیف‌خان نشدند.^۳ آنها علل آن را چنین اظهار کردند، که کشتی به خود کمپانی‌ها تعلق دارد و نمایندگان آن در بندرعباس یا بوشهر، اجازه فروش آن را ندارند. از طرف دیگر چون این شرکت‌ها شعباتی در بصره و مسقط دایر و با عثمانی‌ها و اعراب داد و ستد می‌کردند، مایل نبودند در عملیات احتمالی نیروی دریایی ایران علیه عثمانی‌ها و اعراب دخالت و یا شرکتی داشته باشند و بدین ترتیب سبب رنجش و آزرده‌گی آنان را فراهم آوردند و در نتیجه منافع سیاسی و اقتصادی خود را به خطر اندازند.^۴

به دنبال فعالیت‌های لطیف‌خان برای تهیه کشتی و عدم موفقیت او، محمد تقی خان پس از آگاهی از چگونگی اقدامات لطیف‌خان، خود با رؤسای شرکت‌های خارجی وارد مذاکره شد. مذاکرات او هم با نمایندگان کمپانی به نتیجه‌ای نرسید، اما آنان در مقابل قول دادند که در بندر سورات در هندوستان به نام

۱- یکی از افسران برجسته و محبوب نادرشاه بود که بیشتر عمر خود را در سواحل خلیج فارس و جزایر آن گذرانده بود. لطیف‌خان برخلاف دیگر سرداران نادرشاه که از دریا و دریانوردی تقریباً چیزی نمی‌دانستند دارای اطلاعاتی وسیع و دارای روحیه دریا و ملوانی بوده و در جنگ‌های دریایی بسیاری که در بحرین و عمان به وقوع پیوسته خود فرمانده ناوگان بوده است.

۲- قلدوسی، صص ۳۵۲-۳۵۱.

۳- لکه‌پارت، نادرشاه...؛ مینورسکی، ایران در زمان نادرشاه، ص ۳۳۰.

۴- چنین اقلتماتی از سوی کمپانی‌های اروپایی مستقر در خلیج فارس دیده شده است به عنوان مثال در عهد شاه سلطان حسین که اعراب سواحل و بندر جنوبی ایران را اشغال کرده بودن دولت‌های اروپایی حاضر به همکاری با ایران علیه اعراب نشدند و علاوه بر این در جنگ‌های نادرشاه و کریم خان زند علیه حاکم بصره، عمال انگلیسی به کمک اهالی بصره در جنگ با ایران پرداختند.

دولت ایران - نادرشاه - سفارش ساخت چند فروند کشتی را بدهند. قراردادی تهیه و با همکاری کمپانی هند شرقی انگلیس ساخت چهار کشتی بزرگ به کارخانه کشتی‌سازی بندر سورات سفارش داده شد و در آن جا محمدتقی خان مبلغی به عنوان بیعانه ساختمان کشتی‌ها، به نمایندگان پرداخت قرارداد به امضا رسید.^۱

لطیف‌خان علاوه بر مذاکره با نمایندگان کمپانی‌های خارجی، با رؤسای قبایل و طوایف مختلف سواحل خلیج فارس در تماس و مذاکره بود و چون می‌دانست از شرکت‌های خارجی کمک نخواهد رسید و در ضمن، ساختن کشتی‌های سفارشی، زمان بر خواهد بود، درصد تهیه کشتی از راه‌های دیگر بر آمد و بالاخره موفق شد به ترتیب زیر و به طرق مختلف، ناوگانی به وجود آورد. غیر از شرکت‌های مذکور، شرکت‌های کوچک دریانوردی نیز وجود داشت که در مواقع ضروری، کشتی‌های خود را به سازمان‌های بزرگ تجارتهای خارجی کرایه می‌دادند. لطیف‌خان با این دریانوردان مذاکره کرد و موفق شد دو کشتی جنگی بزرگ که دارای دکل‌های بلند ۲۵ متری بودند، خریداری کند.^۲ اعراب متفرقه نیز که از آینده خود در مقابل اقدامات نادرشاه به هراس افتاده بودند و بیم داشتند که کشتی‌های آنها مورد مصادره قرار گیرد، به میل خود تعدادی کشتی به لطیف‌خان فروختند.

امام مسقط یک کشتی جنگی که مجهز به ۶۴ توپ بود به لطیف‌خان، به نام نادرشاه افشار، واگذار کرد.^۳ سایر شیوخ سرشناس خلیج فارس نیز هر کدام تجهیزات و کشتی‌هایی به ناوگان نادری اهدا کردند.^۴ در همین موقع کشتی‌های سفارشی به کارخانه کشتی‌سازی سورات هم آماده و روانه سواحل ایران شده بودند. به طوری که در پاییز ۱۲۳۶ م / ۱۱۴۹ ق. دو فروند کشتی جنگی که هر کدام به ظرفیت چهارصد تن و مجهز به بیست توپ بود،^۵ توسط نمایندگان کمپانی هند شرقی انگلیس، طی مراسمی با حضور محمد تقی خان شیرازی و لطیف‌خان و دیگر اولیا و بزرگان دولت به ایران تحویل داده شد. بهای این کشتی‌ها معادل ۷۰۰۰ تومان پول ایرانی آن روز به وسیله محمدتقی خان پرداخت گردید و بدین ترتیب هسته اصلی نیروی دریایی ایران به وجود آمد.^۶

1- Lorimer, P. 788.

۲- زرین قلم، ص ۹۱

۳- لکه‌هات نادرشاه... مینورسکی، ایران در زمان نادرشاه، ص ۳۲۳.

۴- همان

5- Lorimer, P. 87.

۶- زرین قلم، ص ۹۷؛ فلور، ویلم (۱۳۲۱)، هلندیان در جزایر خارک، ترجمه ابولقاسم سری، تهران: توس، ص ۲۸۴.

بوشهر، مرکز کشتی سازی

به موازات اقداماتی که برای تهیه کشتی و ساز و برگ در خلیج فارس به وسیله لطیف خان جریان داشت، اقداماتی نیز برای احداث یک کارخانه کشتی سازی ایرانی در بندر نادره- بوشهر^۱ و کارخانه دیگری برای توپ ریزی و مسلح کردن این کشتی ها در بندر عباس در جریان بود.^۲

در تابستان ۱۱۵۳ ق. نادرشاه به این فکر افتاد که نقشه جدید خود را در مورد ساختن کشتی های جنگی در بوشهر اجرا کند.^۳ منظور نادر از اجرای این نقشه به خوبی هویدا است؛ او می خواست که ایران از لحاظ کشتی سازی نیازی به بیگانگان نداشته باشد، همچنین روح استقلال طلبی و میل سیادت خواهی وی چنان نیرومند بود که او را از توسل به کمپانی های هند شرقی، برای به دست آوردن کشتی باز می داشت. گذشته از این، کمپانی های خارجی در مقابل هر کشتی که به ایرانیان می دادند، نه تنها پول نقد می خواست، بلکه امتیاز جدیدی را نیز طلب می کردند.^۴

علاوه بر این نادر یقین داشت که با کارگر و مواد ایرانی خواهد توانست کشتی ها را به قیمت نازلتری تمام کند^۵، اما او متأسفانه این نکته را در نظر نگرفته بود که اجرای این نقشه تا چه اندازه دشوار است. یکی از اشکالات بزرگ نقصان چوب مناسب در کرانه خلیج فارس بود. نادر که از هیچ کاری نمی هراسید، بر آن شد که چوبهای لازم را در جنگلهای مازندران تهیه کرده و از راه خشکی که ۶۰۰ میل فاصله داشت، به بوشهر ارسال کنند.^۶

لیکن به دلیل، فقدان جاده های مناسب بین مازندران و بوشهر و همچنین کوهستانی بودن قسمت زیادی از جاده ها، کارگران ناگزیر بودند که الوارها را به دوش حمل کنند.^۷

در زمستان ۱۱۵۳ هـ.ق. نادر دستور داد که ساختمان چندین کشتی در بوشهر آغاز گردد. طول این کشتی ها می بایستی در حدود ۳۰۰ پا، و مسلح به پنجاه توپ بودند^۸ و کارگران و ملوانان آن نیز از ایرانیان و عده ای از اروپاییان انتخاب می شدند.

۱- زرین قلم، ص ۱۰۰.

۲- لکه پارت نادرشاه؛ مینورسکی، ایران در زمان نادرشاه، ص ۲۶۴.

۳- قدوسی، ص ۲۵۲.

۴- لکه پارت نادرشاه، ص ۲۷۱.

۵- قدوسی، ص ۲۵۷.

۶- زرین قلم، ص ۱۰۰.

۷- قدوسی، ۲۵۸.

۸- زرین قلم، ص ۱۰۱.

از طرف دیگر برای مسلح کردن کشتی‌ها، به امر نادرشاه یک کارخانه توپریزی در بندرعباس دایر و در سال ۱۷۴۱ م. / ۱۱۵۴ ق. دو توپ برنجی ریخته شد، تا پس از آزمایش سیصد توپ دیگر از همین نوع ریخته شود تا در کشتی‌ها به کار ببرند.^۱ ناخدایان کشتی‌های بزرگ نادرشاه اغلب از دریانوردان انگلیسی، هلندی، ایرانی و عرب بودند و ملوانان آنها هندی، بلوچ و بومیان خلیج فارس و بیشتر از اعراب هوله بودند، اما اشخاصی که به سمت دریا سالار معین می‌شدند، عموماً از امور دریاداری و اداره کردن ناوها بی اطلاع بودند.

در بندر بوشهر که پایگاه اصلی نیروی دریایی خلیج فارس بود، قلعه قدیمی پرتغالی‌ها را مرمت و ساختمانهای دیگری به آن افزودند که پادگان نیروی دریایی در آن جا سکونت داشته باشد و بدین ترتیب بندر بوشهر، به نام بندر نادری معروف گشت.^۲

نادرشاه همچنین تصمیم به تأسیس نیروی دریایی در دریای مازندران کرد تا حاکمیت ایران را در آن دریا تثبیت و از تجاوز دزدان دریایی ترکمن جلوگیری کند و در ضمن به ارتش خود در جنگ با لژیونها آذوقه برساند.^۳ کسی که به نادر در این امر کمک شایانی کرد، جان آلتون انگلیسی بود. نادر وی را در سال ۱۷۴۳ م. / ۱۱۵۶ ق. به ریاست کل کشتی‌سازان ایران منصوب کرد و به جمال بیگ ملقب گردانید.^۴ جان آلتون مرکز کار کشتی‌سازی خود را در لنگرود قرار داد. دولت روسیه که فعالیت‌های آلتون و نقشه نادرشاه مبنی بر تسلط وی بر دریای خزر را با سوء ظن و نظر خصمانه می‌نگریست، شروع به کارشکنی‌های متعددی در این راه کرد.^۵ مدتی بعد نادر از برخی کارگران کشتی ساز جان آلتون استفاده کرد و عده ای از آنان را به بوشهر فرستاد، اما قتل نا به هنگام نادر این نقشه بزرگ را ناتمام گذاشت.

واحدهای اصلی ناوگان دریایی نادر ترکیب یافته بود از چهار کشتی بزرگ به نامهای فتحی، شاهی، ملک رحمانی و فیض ربانی است. اینها کشتی‌هایی بودند که به کارخانه سورات هندوستان سفارش شده بود.^۶ در بسیاری از مدارک آثار مورخین ایرانی و عرب که به جا مانده، تعداد کشتی‌های ناوگان نادری را بین ۵۰ تا ۶۰ کشتی بزرگ و کوچک ذکر کرده‌اند ولی در گزارش ماموران هند شرقی انگلیس از

۱- حافظ نیا، محمد رضا (۱۳۷۱). *خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز*. تهران: سمت. ص ۳۲۶.

۲- لکه‌پارت نادرشاه ترجمه مشفق هملفی، ص ۱۳۱.

۳- سرپرسی سایکس. *نادرشاه... مینورسکی*. ایران در زمان شاه. ص ۴۶۸.

۴- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا. (۱۳۴۹). *تاریخ روابط خارجه ایران*. تهران: امیر کبیر. ص ۹۸.

۵- قلدوسی، ص ۳۵۰.

۶- همان، ص ۳۵۹.

چراپی و چگونگی تاسیس ناوگان دریایی نادرشاه در خلیج فارس / تاریخ پژوهی ۵۱

بندرعباس، تعداد کشتی‌های نیروی دریایی نادری ۳۰ فروند ذکر شده است.^۱ در نهایت تعداد این کشتی‌ها به طور نسبی می‌تواند در حدود ۴۰ تا ۴۵ کشتی باشد.
به طور کلی در دوره سلطنت نادرشاه، با نیروی دریایی در خلیج فارس چهار اردوکشی مهم به بحرین و عمان به شرح زیر انجام شده است:

عملیات دریایی بحرین

الف- به فرماندهی لطیف‌خان در سال ۱۷۳۶ م. / ۱۱۴۹ ق.

اردوکشی به بحرین در ماه ژانویه ۱۷۳۶ م. / ۱۱۴۹ ق. به فرماندهی لطیف‌خان و ناوگان نادر در خلیج فارس با ۴۰۰۰ سپاهی مأمور برای پس گرفتن جزایر بحرین از شیخ جبار هولی که از سال ۱۷۱۷ م. / ۱۱۳۰ ق. بر این جزایر و همچنین بر جزیره کیش و قسمتی از سواحل ایران تسلط یافته و دعوی خودسری می‌کرد انجام شد.^۲ لطیف‌خان قلاع بحرین را با وارد ساختن شکست سختی به اعراب هوله تصرف کرد و چون در آن زمان شیخ جبار از بحرین به مقصد حج به مکه رفته بود و از جانب خود نایی در آن جا گذاشته بود،^۳ موفق به دستگیری او نشدند و جزایر بحرین که از سال ۱۱۳۰ ق. موقتاً از دست عمال ایرانی بیرون رفته بود، بار دیگر در سال ۱۱۴۹ هـ.ق. به فارس ضمیمه گشت و کلید قلاع بحرین برای نادرشاه ارسال و پادگان ایرانی در آن جا مستقر شد.^۴

عملیات و نبردهای دریایی نادرشاه در عمان

- به فرماندهی لطیف‌خان در سال ۱۷۳۷ م. / ۱۱۵۰ ق. به عمان.

- به فرماندهی محمد تقی خان، بیگلریگی فارس و لطیف‌خان در سال ۱۷۴۲ م. / ۱۱۵۵ ق. به عمان و مسقط.

- به فرماندهی محمدتقی خان و کلبعلی خان در سال ۱۷۴۲ م. / ۱۱۵۵ ق. تحت عنوان عملیات مسقط و صحار.

۱- لکهارت نادرشاه...: مینورسکی، ایران در زمان نادرشاه، ص ۲۶۴.

۲- لکهارت نادرشاه ترجمه مشفق همنلی، ص ۲۳۱، p. 171. I. crimer.

۳- زرین قلم، ص ۸۹.

۴- قدوسی، ص ۳۵۲.

الف- عملیات دریایی عمان

اولین اردو کوشی به عمان در ماه مارس ۱۷۳۷م. / ۱۱۵۰ ق. به فرماندهی لطیف‌خان به طرف عمان انجام گرفت، اگرچه نادرشاه از آغاز امر تصمیم داشت عمان و مسقط را هم تحت حمایت خود در آورده و تسلط از دست رفته ایران را بر سرتاسر خلیج فارس و دریای عمان اعاده کند و به خصوص آشیانه دزدان دریایی را در سواحل عمان ویران سازد، اما چون در همین اوقات سیف بن سلطان ثانی، امام مسقط که در ظاهر از نادر اطاعت می‌کرد و از رقیب خود، بلعرب بن حمیر شکست خورده بود^۱ به ناچار دست توسل به طرف نادرشاه دراز کرد.^۲ نادر از این موقعیت مناسب بیشتر استفاده نمود و به بیگلربیگی فارس دستور داد که هر چه زودتر ناوگان دریایی را به آن حدود اعزام کند.

در اجرای این دستور ناوگان ایران در خلیج فارس به فرماندهی لطیف‌خان که در بندرعباس تمرکز یافته بود، با ۵/۰۰۰ سپاهی و ۱/۵۰۰ راس اسب به طرف عمان حرکت کرد.^۳ بعد از چند روز لطیف‌خان به بندر خورفکان^۴ رسید و این بندر را متصرف کرد و به طرف جلفار رفت و آن جا را هم به اشغال خود در آورد.^۵

در جلفار، امام مسقط خود به استقبال لطیف‌خان آمد^۶ و به اتفاق او عملیات زمینی نیروی ایران در عمان آغاز شد و قوای بلعرب در همه جا شکست خورد و نقاطی که در تصرف آنها بود اشغال و در بعضی از قلاع مهم، افراد ایرانی به فرماندهی آنجا برقرار شدند.^۷

امام سیف که در ابتدا تصور می‌کرد لطیف‌خان به یاری او آمده و بعد از شکست دادن رقیب وی، متصرفات او را در اختیارش خواهد گذاشت، از استقرار پادگان ایرانی در قلاع مزبور رنجید، ولی قدرت ابراز مخالفت در خود ندید. لطیف‌خان پس از پنج ماه مبارزه در عمان و انجام مأموریت به بندرعباس آمد تا گزارش کار خود را در اختیار بیگلربیگی قرار دهد^۸ چون محمد تقی‌خان نسبت به کامیابی‌های لطیف‌خان

1-Lorimer, PP. 135, 406.

۲- مجتهد زاده، پیروز: (۱۳۸۰) امنیت و مسایل سرزمینی در خلیج فارس. ترجمه امیر مسعود اجتهادی. تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه ص ۷۶.

3- Lorimer, P. 406.

۴- خلیج عمیقی در کرانه دریای عمان است.

۵- زرین قلم ص ۹۵.

۶- همان ص ۹۱.

۷- لکه‌پارت، نادرشاه ص ۳۳۲.

۸- همان، ص ۹۱.

حسادت می‌ورزید، برای کوچک کردن او امور مربوط به دریایی را خود بر عهده گرفت. بر اثر امساک وی در پرداخت جیره و مخارج ملوانان، جمعی از ایشان شکایت و شورش کردند، ولی لطیف‌خان با وعده و وعید آنها را موقتاً ساکت نمود.^۱

نادرشاه وقتی که از مراجعت نیروی دریایی ایران از عمان اطلاع یافت، نسبت به بیگلریگی فارس متغیر شد که چرا فرماندهی عملیات علیه عمان را از ابتدا خود به عهده نگرفته و امام سیف را به قتل نرسانده است. در نتیجه ناوگان نادری در اولین لشکرکشی خود به عمان نتوانست به نتیجه مطلوبی که مد نظر نادر بود دست یابد.^۲

ب- عملیات دریایی جلفار و مسقط

در ژانویه ۱۷۳۸ م. / ۱۵۱۱ ق. با مصادره قسمتی از کشتی‌های انگلیسی و هلندی و با حمل ۶۰۰۰ سرباز به طرف بندر جلفار، دومین اردوکشی به فرماندهی محمدتقی‌خان انجام شد.^۳ در همان ابتدا به علت حسادت ورزی وی به لطیف‌خان و اشکال تراشی در کارها، بین افسران زیر دست آنها دو دستگی بود. جمعی به طرفداری از لطیف‌خان برخاسته و عده‌ای جانب محمدتقی‌خان را گرفته بودند و این باعث سستی کار نیروی ایران شد.^۴

امام سیف این بار هم برای نابود ساختن دشمنان خود در ظاهر نسبت به نادرشاه ابراز اطاعت کرد. سپاه ایران در آغاز کار موفق شد (عبره) و (بهلی) دو تا از مهمترین قلاع عمان را فتح کرده و بعد به محاصره مسقط بپردازند.

مدافعین شهر مسقط به زودی تسلیم شدند ولی محصوران ارگ و قلعه نظامی شهر دست از مقاومت برداشتند. بیگلریگی پس از چهل روز معطلی از تصرف ارگ مایوس شد در طی همین مدت به دستور او لطیف‌خان را مسموم کردند و نیروی دریایی نادرشاه از داشتن چنین فرمانده رشیدی محروم شد.^۵ محمدتقی‌خان پس از این اقدام ناجوانمردانه به جلفار برگشت و به علت فوت لطیف‌خان و عدم توفیق بیگلریگی در فتح قلعه مسقط، شورش بزرگی در بین ملوانان کشتی ایجاد شد.^۶ اعراب هوله دست از کار

۱- همان، ص ۹۵.

۲- قنوسی، ص ۳۵۹.

3-Lorimer, P. 406.

۴- لکه‌پارت ایران در زمان نادرشاه - مینورسکی (۱۷۲۸) ایران در زمان نادرشاه. ترجمه رشید یاسمی. تهران: دنیای کتاب ص ۳۵۳.

۵- لکه‌پارت، نادرشاه ص ۲۲۳.

۶- زرین قلم، ص ۹۸.

کشیده و به جزیره کیش رفتند، خواجه جزیره قشم را غارت کردند،^۱ در بحرین هم پادگان ایرانی چند روز در محاصره یاقیان محلی افتاد،^۲ اما در اثر اختلافی که در بین شورشیان بروز کرد، نیروی دریایی ایران موفق شد که دستجات عمده غارتگران را طی چند جنگ دریایی متلاشی کند.^۳

ج- عملیات جلفار

آخرین و سومین اردوکنشی نیروی دریایی نادرشاه علیه عمان در سال ۱۷۴۳م. / ۱۱۵۵ق. پس از مدتی که محمدتقی خان منضوب شاه بود و بار دیگر مورد عفو واقع و به سمت بیگلربیگی فارس تعیین شده بود، انجام گرفت.^۴

اتفاقاً در همین موقع، اعراب عمان، امام سیف ثانی را به علت بعضی بدعت‌ها که آورده بود و رفتار ناخوشایندش، در ذی الحجه ۱۱۵۴ق. / ۱۷۴۱م. از امامت خلع نمودند^۵ و سلطان بن مرشد را به امامت عمان انتخاب کردند.^۶

امام سیف بار دیگر از نادرشاه کمک خواست و وی محمدتقی خان را به تهیه کشتی و سپاه موظف ساخت. بعد از خرید دو کشتی از هلندیان و دو کشتی دیگر از انگلیسی‌ها، سپاه ایران به سرداری کلبعلی - خان، برادر زن نادر، سردار گرمسیرات فارس در رمضان ۱۱۵۵ق. / ۱۷۴۲م. در ساحل عمان پیاده شدند و سه هفته بعد بیگلربیگی، محمدتقی خان نیز به آنها پیوست.^۷

در ورود سپاه ایران به بندر جلفار، امام سیف بن سلطان برای اظهار امتنان از مساعدت شاه ایران و تهیه نقشه جنگ به اردوی محمدتقی خان آمد و با او معاهده‌ای بست که اگر او را ایرانیان به مقام سابق برقرار کنند، وی از آن پس خود را تحت الحمایه شاه ایران می‌داند.^۸

1- Lorimer, P. 406

۲- سدید السلطنه (کبابی)، محمد علی خان (۱۳۷۰)، تاریخ مسقط و عمان، بحرین و قطر. تصحیح احمد اقتداری. تهران: دنیای کتاب، ص ۸۲

۳- قنوسی، ص ۳۷۵. و زرین قلم، صص ۹۶-۹۵.

۴- قنوسی، ص ۳۵۹.

5- Lorimer, P. 407

۱- زرین قلم، ص ۹۹.

۷- قنوسی، ص ۳۵۹.

۸- لکه‌هات نثر شاه، ص ۳۷۵.

کلبعلی خان به محاصره قله صحار مشغول شد و بیگلربیگی به همراه سیفبن سلطان برای تهیه نقشه حمله به دیگر نقاط مسقط که جز قلمرو امام سیف بود، رفتند. سرانجام بیگلربیگی توانست قلعه را به نفع ایرانیان تسلیم کند و ایرانیان نیز بدون خونریزی بر مسقط مستولی شدند.^۱ اما کلبعلی خان به علت دفاع سخت حکمران قلعه صحار، به نام احمدبن سعید بوسعیدی که بر امام سیف طغیان کرده بود نه تنها از عهده او بر نیامد بلکه از او شکست خورد و نادر مجبور شد که نیروی کمکی و چند فروند کشتی دیگر را که از شرکت هند شرقی انگلیس خریده بود، به یاری آنها بفرستد.^۲ بیگلربیگی و سیف بن سلطان بعد از غلبه بر سلطان بن مرشد برای فتح قلعه صحار و سرکوبی احمد بن سعید از مسقط حرکت کردند و کلبعلی خان را به جای فتح صحار، به فتح قلاع دیگری از عمان فرستادند. سلطان بن مرشد در همین ایام در هنگام فرار به دست ایرانیان کشته شد^۳ و برای امام سیف حریف دیگری جز احمد بوسعیدی حکمران قلعه صحار باقی نماند. بعد از محاصره شدید صحار از طرف ایرانی‌ها، احمد بوسعیدی بالاخره از مقاومت دست کشید و حاضر شد با شرایطی آبرومندانه قلعه را تسلیم کند که از اهم این شرایط، تأمین جانی او و سپردن حکومت صحار و بعضی نقاط دیگر عمان به او، از طرف بیگلربیگی بود.^۴

محمدتقی خان شرایط او را پذیرفت و قشون ایران در جمادی الاول ۱۱۵۵ ق. / ۱۷۴۲ م. بعد از هشت ماه محاصره و دادن ۳۰۰۰ تن تلفات با ۲۰۰ خره صحار را تصرف کردند و احمدبن سعید نیز به حکمرانی صحار و چند نقطه دیگر از عمان منصوب شد.^۵

در سال ۱۷۴۳ م. / ۱۱۵۶ ق. که نادر گرفتار جنگ با عثمانی بود، محمدتقی خان^۶ و کلبعلی خان چون خود را دور از چشم شاه دیدند به کارشکنی و خصومت علیه یکدیگر پرداختند و هر یک عرابی‌نسیبت به بی‌گناهی خود برای نادر فرستادند.

نادر که علاقه و محبت خاصی به محمدتقی خان داشت ابتدا کلبعلی خان را احضار کرد و چون از محمدتقی خان شکایات بسیار شنید، او را از عمان به شیراز فراخواند و محمدحسین خان قرقلو افشار را که

۱- سدید السلطنه همان، ص ۸۴

۲- زرین قلم، صص ۱۰۲-۱۰۳.

۳- مقایسه شود با زرین قلم، ص ۱۰۳.

۴- اقبال آشتیانی، عباس (۱۲۸۴)، مطالعاتی در باب بحرین و جزایر و سواحل خلیج فارس، چاپ اول، تهران: اساطیر، ص ۱۰۶.

۵- برای اطلاعات بیشتر در مورد خاندان و اقدامات محمدتقی خان به عنوان نمونه رکه فسائی، صص ۵۶۷-۵۶۴.

۶- قنوسی، ص ۲۶۰.

به جای کلبعلی خان، والی گرمسیرات شده بود در رمضان ۱۱۵۶ ق. / ۱۷۴۳ م. مأمور حرکت از بندر عباس به صحار کرد.^۱

محمدتقی خان بیگلربیگی که از احضار خود از عمان ناراضی بود و از فتح مسقط غرور بی‌اندازه بر او دست یافته بود، بعد از مراجعت از عمان به بندرعباس، از کلبعلی خان دعوت کرد که به یاری یکدیگر بر نادرشاه بشورند^۲ و فارس، سواحل، بنادر و جزایر را به نام خود ضبط کنند. اما کلبعلی خان نپذیرفت و بیگلربیگی به همین جهت او را کشت و علیه نادر شورش کرد و به ادعای سلطنت برخاست.^۳

نادرشاه بالاخره در سال ۱۷۴۴ م. / ۱۱۵۷ ق. بر محمدتقی خان دست یافت و او را از یک چشم کور و مقطوع‌النسل کرد و هنگامی که می‌خواست بار دیگر به کار عمان بپردازد، گرفتار جنگ دیگری با عثمانی شد و این پیش‌آمدها که عاقبت به تغییر مزاج نادر و قتل او منجر شد، به طور کلی اولیای ایران را از عمان و مسقط غافل کرد و احمد بن سعید بوسعیدی که بایستی مطابق تعهد هر ساله خراجی به عامل ایران در عمان بدهد، از این اوضاع استفاده کرد و به بهانه این که برای فرستادن پول از صحار به مسقط وسیله‌ای ندارد، نماینده ایران را به صحار دعوت کرد و با توطئه‌ای که چیده بود وی را فریب داد و به قتل رسانید^۴ و بدین ترتیب ساخلوی مسقط را هم با دادن پول و فریب به تسلیم داد و به این شکل به سهولت بر صحار و مسقط و دیگر نقاط عمان دست یافت، و تنها جایی که در تصرف ایران باقی ماند، بندر جلفار بود.^۵

علت عمده عدم توفیق ایرانیان در این لشکرکشی با وجود تحصیل فتوحات مهم بی‌کفایتی، پول‌پرستی، ظلم و سوء رفتار محمدتقی خان شیرازی بود که هم سرداران زیر دست خود مانند لطیف‌خان و کلبعلی‌خان را آزرده و بعد از میان بردن هم کارکنان کشتیها و لشکریان را به واسطه نرساندن مواجب، به شورش و عدم اطاعت و فرار واداشت. روی هم رفته از این لشکرکشی‌ها سودی عاید ایران نشد.

۱- لکه‌هات نادرشاه، ص ۳۷۷.

۲- زرین قلم، ص ۱۰۴.

۳- قلوبوسی، ص ۳۶۰.

۴- لکه‌هات نادرشاه، ص ۳۷۸.

۵- قلوبوسی، ص ۳۶۱؛ زرین قلم، ص ۱۰۴.

فرجام نیروی دریایی نادرشاه

دوران شکوه و جلال و قدرت نیروی دریایی نادرشاه متأسفانه دیری نپایید و در باقی مدت سلطنت خود چون گرفتار جنگ با عثمانی و شورش‌های داخلی ایران بود، دیگر فرصتی برای پرداختن به موضوع تجهیز بیشتر ناوگان دریایی نمی‌یافت.^۱

نادرشاه با ناوگان خود توانست چندین بار با اعراب سواحل خلیج فارس، مقابله کند و هر کدام از آنها را به جای خود بنشانند. در تمام این مدت کوشش نادر برای تشکیل یک ناوگان نیرومند، از راه خرید یا ساختن کشتی در کارگاه‌های کشتی سازی داخلی ادامه داشت. زحمات و اراده آن مرد بزرگ برای ساختن کشتی در ایران با مصالح ایرانی، با وجود فقدان کارشناسان مجرب کشتی‌ساز، معذک در خور کمال تحسین و اعجاب است. بخصوص فعالیت و پشتکار وی برای تجدیدسیادت دریایی ایران، گواه دیگری بر تیزی و هوش سرشار اوست.

با توجه به این که ایرانیان برای چندین قرن از فعالیت‌های دریایی دور مانده و بیشتر درگیر جنگ‌های زمینی بودند، به ناچار حس علاقمندی به دریا و دریانوردی در آنها از بین رفته بود و نادرشاه می‌بایست ضمن تشکیل نیروی دریایی و ناوگان ایرانی با چنین طرز فکری نیز مبارزه کند.^۲

در هر حال یکی از نکات مهم اقدامات نادرشاه در خلیج فارس این بود که نادرشاه آن مرد روستایی، مردی که از ایالتی در فرسنگها دور از دریا برخاسته بود، با چنان هوش و درایتی اهمیت وجود نیروی دریایی نیرومند را برای ایران به خوبی دریافته بود این اقدام او در طول تاریخ شایسته احترام است و در آن زمان، مایه حیرت اروپاییان گردیده است.^۳

۱- قلیوسی، ص ۲۶۳.

۲- سریرسی ساریکس، نادرشاه...؛ مینورسکی، ایران در زمان نادرشاه، ص ۲۶۶.

۳- لکهارت نادرشاه، ص ۱۱۲.

کتابنامه

۱. استرآبادی، میرزا مهدی خان (۱۳۶۸). *جهانگشای نادری*. تهران: دنیای کتاب.
۲. استرآبادی، میرزا مهدی خان (۱۳۴۱). *دره نادره*. به اهتمام دکتر سید جعفر شهیدی. انتشارات انجمن آثار ملی.
۳. اعتماد السلطنه (صنیع الدوله)، محمد حسن خان (۱۳۶۴). *تاریخ منتظم ناصری*. تصحیح دکتر محمد اسماعیل رضوانی. جلد ۲. تهران: دنیای کتاب.
۴. اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۸۴). *مطالعاتی در باب بحرین و جزایر و سواحل خلیج فارس*. چاپ اول. تهران: اساطیر.
۵. حافظ نیا، محمد رضا (۱۳۷۱). *خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز*. تهران: سمت.
۶. حسینی فسایی، حاج میرزا حسن (۱۳۸۲). *فارسنامه ناصری*. تصحیح دکتر منصور رستگار فسایی. چاپ سوم. تهران: امیرکبیر.
۷. زرین قلم، علی (۱۳۳۷). *سرزمین بحرین*. تهران: کتابفروشی سیروس.
۸. سدید السلطنه (کبابی)، محمد علی خان (۱۳۷۰). *تاریخ مسقط و عمان، بحرین و قطر*. تصحیح احمد اقتداری. تهران: دنیای کتاب.
۹. قلووسی، محمد حسین (۱۳۳۹). *نادرنامه*. خراسان: نشر انجمن آثار ملی.
۱۰. فلور، ویلم (۱۳۷۱). *هلندیان در جزایر خارگ*. ترجمه ابولقاسم سری. تهران: توس.
۱۱. لکه‌هارت، لارنس (۱۳۸۱). *مجموعه مقالات ایران در زمان نادر شاه*. ترجمه رشید یاسمی. تهران: دنیای کتاب.
۱۲. _____ (۱۳۵۷). *نادرشاه*. ترجمه مشفق همدانی. چاپ دوم. تهران: امیرکبیر.
۱۳. مجتهد زاده، پیروز (۱۳۸۰). *امنیت و مسایل سرزمینی در خلیج فارس*. ترجمه امیر مسعود اجتهادی. تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
۱۴. هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۴۹). *تاریخ روابط خارجه ایران*. تهران: امیر کبیر.

15. Lorimer, John. Gordon, *Gazetter of the Persian Gulf, Oman and central Arabia*, (2 vols in 4 pts). Calcutta: superintendent of Government Printing, 1908-1915.